

کاربردهای ناگفته فعل «مضارع»

در دستور زبان عربی و فارسی (نقد تطبیقی)

فرهاد رجبی نوش آبادی^۱، قاسم مختاری^{۲*}، محمد جرفی^۳، سید ابوالفضل سجادی^۴، محمود شهبازی^۵

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه اراک

۲. دانشیار گروه مترجمی زبان و ادبیات عربی دانشگاه اراک

۳. استادیار گروه مترجمی زبان و ادبیات عربی دانشگاه اراک

۴. دانشیار گروه مترجمی زبان و ادبیات عربی دانشگاه اراک

۵. استادیار گروه مترجمی زبان و ادبیات عربی دانشگاه اراک

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۲۶

چکیده

از میان اقسام فعل، فعل «مضارع» در دو زبان فارسی و عربی، به شکلی گسترده و در ساختارهای متنوعی به کار رفته است که ضمن دلالت بر زمان حال، مفهوم زمان آینده را نیز منتقل می‌سازد. در این پژوهش نویسندگان با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی در حوزه دستور تطبیقی، تلاش دارند ساختارهای فعل مضارع را در این دو زبان، واکاوی کنند و زمان‌های حال، آینده و کاربردهای متنوع آن‌ها را به گونه‌ای تبیین نمایند که با یکدیگر مشتبه نگردند و مترجمان در فهم صورت‌های مختلف زمان‌های افعال دچار اشتباه نشوند.

در این جستار، ضمن یکپارچه سازی زمان حال در زبان فارسی و عربی و افزودن زمان «مضارع مقصود»، برای زمان آینده، نیز دو قالب جدید «آینده استمراری و آینده نقلی» به زمان‌های افعال اضافه شد که در منابع دستوری فارسی و عربی بدان اشاره‌ای نشده یا آن‌که برایش چهارچوبی دقیق و احکامی مشخص تبیین نگردیده است. در این مقاله همچنین قواعد دستوری مضارع اخباری، التزامی و استمراری به همراه کارکردهای گسترده آن‌ها آمده است.

کلیدواژه‌ها: دستور تطبیقی؛ دلالت زمانی؛ مضارع مقصود؛ آینده استمراری؛ آینده نقلی.

۱. مقدمه

تاریخ کهن همسایگی ایران و عرب، موجبات تأثیرپذیری دو زبان فارسی و عربی را از یکدیگر فراهم نموده است. اگر به حوزه‌های مختلف این دو زبان به معنای وسیع آن بنگریم، درمی‌یابیم که در موضوعات متنوع زبانی و ادبی، اشتراکات زیادی با هم دارند.

این مقاله می‌کوشد با مقایسه دستور زبان‌های فارسی و عربی، زمان‌های حال و آینده را در هر دو زبان بررسی کند و خطوط کلی زمان‌های افعال و نیز کاربردهای متنوع آن‌ها را بیان نماید و نیز، ضمن تنقیح تعاریف افعال مضارع، به گونه‌ای وجوه اشتراک و افتراقشان را تبیین نماید که با یکدیگر مشتبه نگردند و مترجمان در فهم زمان آن‌ها دچار اشتباه نشوند. نکته مهم‌تر این‌که برخی قالب‌های افعال، تابع زمان‌هایی است که در کتاب‌های دستوری و فن ترجمه، از آن‌ها یاد نشده و یا بدان‌ها اشاره‌ای گذرا شده است.

۲. پیشینه تحقیق

در دستور زبان‌های فارسی و عربی، پژوهش‌های مستقل برجسته‌ای در رابطه با فعل و اقسام آن نوشته شده است که هر یک در جای خود آثاری گران‌بها به شمار می‌آیند؛ در زبان فارسی، می‌توان به آثاری همچون *دستور تاریخی فعل* (احمدی گیوی، ۱۳۸۰) و *کتاب فعل و گروه فعلی و تحول آن در زبان فارسی* (فرشیدورد، ۱۳۸۳)، و در زبان عربی نیز به تألیفاتی چون *الفعل؛ زمانه و اُنبته* (سامرائی، ۱۹۸۳)، *الفعل و الزمن* (نورالدین، ۱۹۸۴)، *الجملة الفعلية* (أبوالمکارم، ۲۰۰۷) و نظایر آن اشاره کرد که هر یک از بُعدی به کاوش در حوزه فعل پرداخته‌اند. در راستای تطبیق افعال در فارسی و عربی نیز مقاله‌ها و رساله‌های مختلفی به انجام رسیده است. در این زمینه می‌توان به نگاشته‌هایی چون: «ترجمه فعل‌های مضارع در قرآن» (فرزانه، ۱۳۸۳)، «روش کاربرد فعل مضارع در عربی و فارسی» (طیبیان، ۱۳۸۷)، «بررسی مباحثی از فعل در دستور زبان‌های فارسی و عربی» (رضایی، ۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی فعل مجهول در زبان‌های فارسی و عربی از منظر دستوری و معنایی» (زرکوب و رضایی، ۱۳۹۱)، اشاره کرد.

این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

الف) احکام ناگفته زمان «حال» و «آینده» در فارسی و معادل‌های عربی آن کدام‌اند؟

ب) بسیاری از قالب‌های زمانی افعال که در کتاب‌های دستوری نیامده‌اند؛ چه چهارچوب‌ها و احکامی را می‌توان برای آن‌ها ترسیم نمود؟

۳. فعل مضارع و وجه تسمیه آن در فارسی و عربی

در دستور فارسی، برگزیدن نام «مضارع» برای دسته‌ای از افعال، ظاهراً نام‌گذاری دقیقی نیست؛ زیرا واژه «مضارع» در لغت عرب به معنای «مشابه و همسان» است و این بدان اعتبار است که فعل مضارع، به ماضی شباهت دارد و با افزون حروف «أتین» بر سر فعل ماضی بنا می‌گردد؛ اما در زبان فارسی فعل مضارع، از امر ساخته می‌شود و بن مضارع، از بن ماضی گرفته نمی‌شود. همچنین مضارع در دستور زبان عربی، بر عموم زمان‌های افعال در حال و آینده دلالت دارد؛ حال آنکه دستورنویسان فارسی، تعبیر «مستقبل» را برای زمان آینده در ذیل فعل‌های مضارع می‌آورند؛ بنابراین بهتر است در معادل‌گذاری «مضارع» در دستور زبان فارسی تجدیدنظر کنیم و آن را به «حال» و «آینده» تغییر نام دهیم؛ نگارنده به رسم ادب و احترام به دستورنویسان فارسی، سنت نام‌گذاری «مضارع» را برای فعل‌های زمان حال حفظ نموده و برای زمان «مستقبل»، نیز تعبیر «آینده» را به تأسی از ایشان آورده‌است.

۴. انواع فعل مضارع و احکام آن‌ها در زبان فارسی و عربی

اغلب دستورنویسان، فعل مضارع را بر دو نوع «اخباری» و «التزامی» دانسته‌اند و برخی از ایشان، مضارع «استمراری» را نیز بر آن‌ها افزوده‌اند و همه آنچه را که به آینده مربوط می‌شود، با عنوان «آینده» یا «مستقبل» آورده‌اند؛ درحالی‌که فعل‌های «آینده» یا «مستقبل» شقوق و انواع مختلفی دارد که اهل هر دو زبان، قالب‌های مختلف آینده را به‌وفور استعمال می‌نمایند و در منابع معتبر ادبی از آن نمونه‌ها، فراوان به کار رفته‌است؛ بنابراین نویسنده در این پژوهش، زمان آینده را سه قسم دانسته و برای هر کدام تعریفی مشخص و احکامی جداگانه آورده‌است. همچنین برای حال نیز، یک زمان جدید با عنوان «مضارع مقصود» ابداع نموده‌است. بنابراین، ترتیب زمان‌های حال و آینده افعال را به قرار ذیل تقدیم کرده‌است:

زمان حال: (۱) مضارع اخباری؛ (۲) مضارع استمراری؛ (۳) مضارع التزامی؛ (۴) مضارع مقصود.

زمان آینده: (۵) آینده ساده؛ (۶) آینده استمراری؛ (۷) آینده نقلی.

۱-۴. نقد و نظر

در بعضی از کتاب‌های دستوری جدید قالبی از فعل مضارع را با عنوان «مضارع ساده» آورده و این‌گونه تعریف کرده‌اند: «بیان انجام کاری یا وقوع حالتی که در زمان حال صورت می‌گیرد». حال آنکه این زمان فعلی، مورد اتفاق دستورنامه‌نویسان نیست و برخی از مؤلفان که به آن پرداخته‌اند، نمونه‌هایی از مضارع اخباری و التزامی را برایش مثال زده‌اند. در واقع، «مضارع ساده مانند فعل‌های مضارع دیگر، استقلال و استعمال عمومی ندارد و در متون نظم و نثر قدیم گاهی به جای ساخت مضارع اخباری و التزامی آمده‌است» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۷۳: ۵۹) و گفته‌اند طریقه ساخت آن چنین است که از بن مضارع و شناسه‌ها بنا می‌گردد؛ مانند:

رسد آدمی به جای که به جز خدا نبیند

به معنی می‌رسد.

هر چه کنی به خود کنی گر همه نیک و بد کنی

به معنی بکنی (نوبهار، ۱۳۷۲: ۱۵۴).

در زبان عربی نیز مضارع ساده، همان قالب‌هایی است که برای ساختن مضارع اخباری، استمراری و التزامی به کار می‌رود. لذا در کتاب‌های دستوری عربی، از قالب مستقلی تحت عنوان مضارع ساده سخن به میان نیامده‌است. از نگاه نگارنده نیز مضارع ساده، در ردیف دیگر زمان‌های افعال قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین در این پژوهش، زمان حال را از مضارع اخباری آغاز می‌کنیم.

۵. مضارع اخباری در زبان فارسی و عربی

۱-۵. تعریف مضارع اخباری

عبارت از بیان انجام کار یا وقوع حالتی در زمان حال است، خواه فعلی عادتاً انجام شود یا به طور روزمره اتفاق افتد یا یک حقیقت کلی را بیان دارد. طریقه ساختن آن چنین است که «می» بر سر مضارع ساده می‌آید. مانند: «من به کتابخانه می‌روم» و مانند: «او هر روز با اتوبوس به محل کار می‌رود» یا: «شب‌ها از پی روزها می‌آیند، گیاهان می‌رویند و دوباره به زردی می‌گریند» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۷۳: ۵۹).

نکته ۱: گاهی مضارع اخباری، بیان واقعه‌ای مربوط به زمان گذشته است تا برای شنونده، تازه‌تر جلوه دهد، ما آن را در قالب مضارع اخباری می‌آوریم. اغلب فیلم‌ها و داستان‌هایی از گذشته که ما برای اطرافیان حکایت می‌کنیم بهتر است در این قالب بیاید تا خودش را زنده‌تر نشان دهد؛ مانند: «آن مرد از ماشین پیاده می‌شود و امانتی را تحویل می‌دهد و آنگاه خداحافظی می‌کند و می‌رود».

نکته ۲: گاهی مضارع اخباری، بیان وقوع فعلی در زمان آینده است. مانند: «هفته آینده به شهرستان برمی‌گردم».

نکته ۳: جملات شرطی که بر آینده دلالت دارند، جزای شرط آن‌ها معمولاً در قالب مضارع اخباری می‌آید، مانند: «اگر شما به مهمانی بیایی، من هم می‌آیم».

نکته ۴: گاهی مضارع اخباری، شکل قوی‌تری از امر است. مانند: «این را می‌بری و به او تحویل می‌دهی» (یعنی ببر و تحویل بده) (وزین‌پور، ۱۳۶۹: ۴۸).

نکته ۵: گاهی از اول مضارع اخباری حرف «می» را حذف می‌کنند. مسعود سعد گوید:
گردون چه خواهد از من بیچاره ضعیف گیتی چه خواهد از من درمانده گندای
(خیام‌پور، ۱۳۸۹: ۸۰)

نکته ۶: گاهی به علت قطعی بودن وقوع مضارع اخباری، از آن به فعل ماضی خبر می‌دهند؛ مانند قول سعدی:

بر پنبه آتش نشاید فروخت که تا چشم بر هم زنی خانه سوخت
(خیام‌پور، ۱۳۸۹: ۸۲)

یعنی می‌سوزد.

نکته ۷: گاهی مضارع اخباری منفی با قید هرگز می‌آید و به معنای نفی ابد است؛ مانند قول حافظ:
هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به ثبت است بر جریده عالم دوام ما
نکته ۸: همان گونه که اشاره شد مضارع اخباری از پیشوند صرفی «می» بر سر بن مضارع ساخته می‌شود، مانند: دوست دارم (یعنی دوست می‌دارم). هر دو شکل آن در گذشته ادبی ما ایرانیان مرسوم بوده است؛ مانند قول سعدی:

«هنرمند هر جا رود، قدر بیند و در صدر نشیند» (یعنی می‌بیند و می‌نشیند).

و نیز:

دوست می‌دارم من این نالیدن جان سوز تا به هر نوعی که باشد بگذرانم روز را

(فرشیدورد، ۱۳۹۲: ۳۹۹)

۲-۵. مضارع اخباری در زبان عربی

طریقه ساختش چنین است که یکی از قالب‌های چهارده‌گانه تصریف فعل مضارع را می‌آوریم. مانند: «هُوَ يَذْهَبُ إِلَى الْجَامِعَةِ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ صَبَاحًا»؛ «الْكُرَّةُ الْأَرْضِيَّةُ تَدُورُ حَوْلَ الشَّمْسِ»؛ «أَذْهَبُ إِلَى الْكَلْبَةِ كُلِّ يَوْمٍ» (ناظمیان، ۱۳۹۱: ۵۵).

نکته ۱: گاهی فعل مضارع، بیان واقعه‌ای مربوط به زمان گذشته است. ما آن را در قالب مضارع می‌آوریم و اصطلاحاً به آن «حکایت حال ماضی» گویند. شاهد قرآنی: ﴿وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاہُ إِلَى بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾ (فاطر: ۹)؛ «و او خدایی است که بادها را فرستاد تا ابرهایی را به حرکت درآورند. ما این ابرها را به سرزمین مُرده‌ای فرستادیم و زمین را پس از مردنش زنده کردیم».

نکته ۲: گاهی فعل مضارع، بر استمرار عملی در گذشته دلالت دارد که اکنون متوقف شده است. شاهد قرآنی: ﴿لَوْ يَطِغُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُمْ﴾ (حجرات: ۷)؛ «اگر پیامبر در بسیاری از کارها از شما بیش از این اطاعت می‌کرد، به مشقت می‌افتادید».

نکته ۳: گاهی فعل مضارع، بر استمرار عملی در گذشته دلالت دارد و در زمان حال نیز تداوم دارد. شاهد قرآنی: ﴿أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَتَّقُونَ﴾ (بقره: ۸۷)؛ «پس چرا هرگاه پیامبری آیین و احکامی که مطابق هوا و هوستان نبود برای شما آورد، سرکشی کردید؟ پس گروهی را تکذیب نمودید و گروهی را می‌کشید».

نکته ۴: گاهی فعل مضارع به همراه قیدی، بر وقوع کاری در آینده نزدیک یا خیلی نزدیک دلالت دارد؛ به عبارت دیگر عملی در آستانه وقوع است. مانند: «أشتری کتاباً غداً» (فردا کتابی می‌خرم) (ناظمیان، ۱۳۹۱: ۵۵).

نکته ۵: نویسندگان روزنامه‌ها و گویندگان اخبار، گاهی عناوین و تیترا خبرها را با فعل مضارع ساده بیان می‌دارند، درحالی‌که عملی در گذشته نزدیک به وقوع پیوسته و پایان یافته است. مانند: «رئیس الجُمهوریة یَتَفَقَّدُ مِنْ مُحَافَظَة حُوزِستان»، رئیس‌جمهور از استان خوزستان بازدید کرد (یعنی این بازدید، در گذشته نزدیک انجام شد).

کاربردهای ناگفته فعل «مضارع» در دستور زبان عربی و فارسی فرهاد رجبی نوش‌آبادی، قاسم مختاری و...

نکته ۶: گاهی فعل مضارع، قاطعیت فرمانی به انجام یک کار در آینده نزدیک است؛ درواقع، فعل امری به خاطر شدت و مهابتش به خبری تبدیل شده، گویی که کار انجام شده و از آن خبر می‌دهد. مانند: «تَذْهَبُ إِلَى فُلَانٍ وَ تَقُولُ لَهُ» به نزد فلانی می‌روی و به او می‌گویی (یعنی برو و به او بگو).

نکته ۷: گاهی ماضی استمراری منفی جانشین مضارع منفی می‌گردد و بر معنای آن تأکید دارد. شاهد قرآنی: ﴿فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل: ۴۳)؛ «از آگاهان پرسید اگر نمی‌دانید».

نکته ۸: گاهی «إِنْ شَبِيهَ بِهِ لَيْسَ» بر سر جمله اسمیه درمی‌آید و به معنی زمان حال منفی است. شاهد قرآنی: ﴿إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ (تکویر: ۲۷)؛ «نیست قرآن مگر یادآوری برای جهانیان».

نکته ۹: گاهی مضارع منفی، معنای تردید را می‌رساند. شاهد قرآنی: ﴿وَإِنْ أَدْرَى أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۹)؛ «و من نمی‌دانم این وعده عذاب که به شما داده می‌شود نزدیک است یا دور».

نکته ۱۰: اگر بخواهیم معنای «گاه‌گاهی» را بر فعل مضارع حمل نماییم، حرف «قَدْ» را بر سر آن می‌آوریم که «قَدْ تَقْلِيلٌ» گویند. مانند: قَدْ يَذْهَبُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَامَّةِ (او گاهی به کتابخانه عمومی می‌رود).

نکته ۱۱: در بعضی موارد «قَدْ» به همراه فعل مضارع می‌آید و به معنای تأکید است و اصطلاحاً «قَدْ تَحْقِيقٌ» می‌گویند و این عمدتاً از سیاق کلام فهمیده می‌شود. شاهد قرآنی: ﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ﴾ (بقره: ۱۴۴)؛ «قطعاً ما نگاه انتظارآمیز تو را به سوی آسمان می‌بینیم».

نکته ۱۲: برای منفی کردن این زمان، «لَا»ی نفی بر سر فعل مضارع می‌آید. مانند: «زَيْدٌ مَرِيضٌ وَ لَا يَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ» و گاهی «إِنْ» شبیه به لیس را بر سر فعل مضارع می‌آوریم که بعضاً «إِلَّا»ی استثنا را به دنبال دارد. شاهد قرآنی: ﴿إِنْ أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ﴾ (احقاف: ۹)؛ «من پیروی نمی‌کنم مگر آنچه به من وحی می‌شود».

۶. مضارع استمراری در زبان فارسی و عربی

۶-۱. تعریف مضارع استمراری

عبارت است از بیان انجام کار یا وقوع حالتی که اکنون در حال رخ دادن است. شیوه ساختش در زبان فارسی این گونه است که مضارع از فعل کمکی «داشتن» به همراه مضارع اخباری از فعل اصلی می آید و هر دو صرف می شوند. مانند: «دارد می نویسد».

نکته ۱: گاهی مضارع استمراری به معنای فعلی در آستانه وقوع است. مانند: «دارم می روم» (درحالی که هنوز حرکت نکرده است) (مشکور، ۱۳۴۹: ۹۳).

نکته ۲: گاهی مضارع استمراری بر تداوم عملی از گذشته تا حال دلالت دارد. مانند: «سال هاست که دارم روی این پروژه کار می کنم».

نکته ۳: گاهی مضارع استمراری بر وقوع فعلی دلالت می کند که اندکی پیش از زمان حال آغاز شده و هنوز به پایان نرسیده است. مانند: «دارم شاهنامه می خوانم» (ناتل خانلری، ۱۳۶۳: ۳۸).

نکته ۴: در مضارع استمراری گاهی بین فعل کمکی مضارع «داشتن» و فعل اصلی فاصله می افتد و آن زمانی است که جمله، دارای مفعول با واسطه یا بی واسطه باشد. مثل: «ما داریم از قطار پیاده می شویم».

نکته ۵: در مضارع استمراری گاهی قید «در حال» و «مشغول» بر سر مصدر از فعل اصلی می آید. مانند: «در حال رانندگی هستم»؛ «مشغول مطالعه هستم».

نکته ۶: گاهی بر سر مضارع استمراری به جای «می» پیشوند «همی» را می آورند و این به معنای استمرار امری در زمان حال است (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۵۱۸). مانند قول شاعر:

همی به فرّ تو نازند دوستان لیکن به بی نظیری تو دشمنان کنند اقرار

(مشکور، ۱۳۴۹: ۹۰).

نکته ۷: مضارع استمراری قابل منفی کردن نیست؛ یعنی نمی گوییم: دارم نمی روم. دارد نمی نویسد (همان: ۹۳). حالت منفی آن در قالب مضارع ساده با قید زمان حال می آید؛ مثال: «من اکنون نمی روم». «او الآن نمی نویسد».

۶-۲. مضارع استمراری در زبان عربی

طریقه ساختش این گونه است که فعل مضارع یا اسم فاعل از فعل اصلی را می‌آوریم و گاهی قید زمان حال را به دنبال دارد. مانند: «هُوَ رَاجِعٌ مِنَ الدَّائِرَةِ». (او دارد از اداره برمی‌گردد)؛ «هُمْ قَادِمُونَ مِنَ السَّفَرِ». (آنان دارند از سفر برمی‌گردند)؛ «هُوَ يُطَالِعُ كِتَاباً الْآنَ».

نکته ۱: گاهی اسم فاعل به معنای ماضی نقلی و گاهی مضارع استمراری است. راه تشخیص این دو از یکدیگر این است: در آنجا که اسم فاعل به معنای ماضی نقلی است معمولاً بر توقف و سکون دلالت دارد و اراده فاعلش درگیر انجام کاری نیست. ولی اسم فاعل به معنای مضارع استمراری، بر حرکت و پویایی دلالت می‌کند و اراده فاعلش، دخیل است. ماضی نقلی: «هُوَ نَائِمٌ فِي عُرْفَتِهِ» (او در اتاقش آرمیده‌است).

مضارع استمراری: «هُوَ كَاتِبٌ رِسَالَةً إِلَى صَدِيقِهِ» (او دارد نامه‌ای به دوستش می‌نویسد).
نکته ۲: در مضارع استمراری گاهی «لام ابتدا» بر سر فعل مضارع می‌آید و بر تداوم کاری در زمان حال دلالت می‌کند. مثال: «إِنَّ الطَّلَابَ لِيَسْتَمْعُونَ إِلَى الْأُسْتَاذِ» (دانشجویان دارند به استاد گوش می‌دهند) (زرکوب، ۱۳۹۲: ۱۷۶).

نکته ۳: در مضارع استمراری گاهی قید «فی حال» همراه با مصدر از فعل اصلی می‌آید و بر تداوم کاری در زمان حال دلالت دارد؛ مانند: «هُوَ فِي حَالِ الْعَمَلِ» (او دارد کار می‌کند) و مانند: «أَنَا فِي حَالِ الْقِيَادَةِ» (من در حال رانندگی هستم) (معروف، ۱۳۸۰: ۱۹۸).

نکته ۴: برای منفی کردن این زمان، «ما» و «لا»ی نفی بر سر فعل مضارع می‌آوریم یا از فعل کمکی «لیس» مدد می‌گیریم؛ مانند سخن طه حسین: «وَكِتَابًا آخِرَ لَسْتُ أَدْرِي كَيْفَ كَانَ يَسْتَيُّ» (کتاب دیگری که نمی‌دانم اسمش چه بود) (حسین، ۱۹۸۶، ج ۱: ۹۶).

نقد و نظر

فعل مضارع هم برای مضارع ساده و هم برای مضارع استمراری به طور یکسان می‌آید و راه تشخیص این دو از یکدیگر این است که در حال ساده، قریبه‌ای دارد که بر عادت یا تکرار عملی در زمان حال دلالت می‌کند، اما در حال استمراری چنین نیست.

جمله‌ای که مشتمل بر «اسم فاعل» به معنای مضارع استمراری است، سیاق جمله‌اش در فهم معنای استمرار خیلی مؤثر است؛ زیرا گاهی اسم فاعل در معنای آینده ساده نیز استعمال می‌گردد و آن نیز از سیاق کلام فهمیده می‌شود.

۷. مضارع التزامی در زبان فارسی و عربی

۷-۱. تعریف مضارع التزامی

عبارت است از انجام کار یا وقوع حالتی در حال و آینده که متضمن معنای الزام، تکلیف و اجازه‌دادن باشد؛ یا بیان فعلی که همراه با شک، یا امید و آرزو باشد؛ یا مشتمل بر امر، نهی، شرط یا علت باشد. شیوه ساختش در زبان فارسی این‌گونه است که حرف «ب» بر سر ریشه یا بن مضارع می‌آید (شریعت، ۱۳۷۲: ۱۶۱). مانند: گفتم برو؛ لازم است بنویسید؛ باید بنشینند؛ حتماً بگویم.

نکته ۱: گاهی مضارع التزامی، خبر از وقوع امری می‌دهد که محتمل است، مانند: «شاید امروز به بازار بروم»؛ «ممکن است علی به خانه ما بیاید».

نکته ۲: فعل‌هایی که دربردارنده معنای شرط در آینده است، گاهی در قالب مضارع التزامی می‌آید؛ مانند: «اگر باران بیاید، در خانه می‌مانم». و قول سعدی:

اگر باران به کوهستان نبارد به سالی دجله گردد خشک‌رودی

نکته ۳: فعل‌هایی که متضمن معنای آرزو و محتمل‌الوقوع است در قالب مضارع التزامی می‌آید؛ مانند: «کاش برادرم امروز از سفر بیاید».

نکته ۴: مضارع التزامی گاهی به جای فعل امر به کار می‌رود؛ مانند قول سعدی:

ای مرغ اگر پری به سرکوی آن صنم پیغام دوستان برسانی بدان پری

یعنی «برسان» (مشکور، ۱۳۴۹: ۹۱).

نکته ۵: گاهی در آخر مضارع التزامی حرف «یاء» می‌آید و این در شعر و نثر ادبی معمول بوده‌است؛ مانند قول سعدی:

کاشکی قیمت انقباس بدانندی خلق تا دمی چند که مانده‌است غنیمت شمرند

نکته ۶: به جای مضارع التزامی گاهی مضارع اخباری می‌آورند؛ قول سعدی:

روی در روی دوست کن بگذار تا عدو پشت دست می‌خاید
(یعنی بخاید) و قول خاقانی:

به بزغاله گفتند بگریز گفتا که قصاب در پی، کجا می‌گریزم

(خیامپور، ۱۳۸۹: ۸۲)

(یعنی بگریزم).

نکته ۷: مضارع التزامی گاهی به معنای انجام عملی در گذشته است که پیش از آن، فعل دیگری به وقوع پیوسته است؛ مانند: «قبل از این که برود نامه را نوشت» (وزین‌پور، ۱۳۶۹: ۴۷۱).

نکته ۸: گاهی مضارع التزامی از احتمال وقوع امری در آینده خبر می‌دهد؛ مانند: «شاید فردا باران بیاید»؛ «ممکن است ماه آینده به اصفهان بروم» (همان: ۴۷۱).

نکته ۹: شکل منفی مضارع التزامی این گونه است که حرف «نون» به جای «باء» بر سر مضارع ساده می‌آید: نروم، نروی، نرود.

۷-۲. مضارع التزامی در زبان عربی

طریقه ساختش این گونه است که حروف ناصبه یا ادوات شرط یا تمنی و ترجی بر سر مضارع درمی‌آیند (ر. ک: نجفی اسداللهی، ۱۳۶۲: ۱۴). شاهد قرآنی: ﴿وَمَا يَدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزْكِي﴾ (عبس: ۳-۴)؛ «و تو چه می‌دانی، شاید او تقوا پیشه کند»؛ ﴿قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ* بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي﴾ (یس: ۲۶-۲۷)؛ «گفت: ای کاش قوم من بدانند که پروردگارم مرا آمرزید».

نکته ۱: گاهی «إن» شرطیه با فعل ماضی می‌آید و به معنای مضارع التزامی است. شاهد قرآنی: ﴿فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا﴾ (آل عمران: ۲۰)؛ «اگر در برابر فرمان حق تسلیم شوند، هدایت می‌یابند»؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا﴾ (حجرات: ۶)، «اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید».

نکته ۲: گاهی «من» شرطیه با فعل ماضی یا مضارع می‌آید و به معنای مضارع التزامی است. شاهد قرآنی: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَلِهَا﴾ (انعام: ۱۶۰)؛ «هرکس کار نیکی را با خود بیاورد، ده برابر آن پاداش دارد».

نکته ۳: گاهی «مَا» شرطیه با فعل ماضی می‌آید و به معنای مضارع التزامی است. شاهد قرآنی: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ (حشر: ۷)؛ «آنچه را که پیامبر برای شما آورده بگیرید، و از آنچه شما را نهی کرده، خودداری نمایید».

نکته ۴: «إِذَا» شرطیه و ظرفیه از نشانه‌های مضارع التزامی است و غالباً بر سر ماضی درمی‌آید و گاهی بر مضارع وارد می‌شود. شاهد قرآنی: ﴿وَإِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا﴾ (انفال: ۳۱)؛ «و هنگامی که آیات ما بر آنان خوانده شود، می‌گویند: شنیدیم».

نکته ۵: ادوات ترجیحی «عَسَى» و «لَعَلَّ» بر سر مضارع درمی‌آید و معنای مضارع التزامی را بیان می‌کند با این تفاوت که «عَسَى» عموماً بر مضارع منصوب وارد می‌شود. شاهد قرآنی: ﴿وَيُثْمَلُونَ مَتَىٰ هُوَ قُلٌّ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَرِيْبًا﴾ (اسراء: ۵۱)؛ «و می‌گویند رستخیز کی خواهد بود، بگو شاید نزدیک باشد»؛ ﴿وَمَا يَدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيْبًا﴾ (احزاب: ۶۳)؛ «و تو نمی‌دانی، شاید قیامت نزدیک باشد».

تقد و نظر

التزام در لغت به معنای پایبندی و تعهد به انجام کاری است و به نظر می‌رسد در تبیین مضارع التزامی ابتدا باید به تبیین معنای «التزام» به عنوان یک اصل توجه نمود و آنگاه بیان معانی «شک» و «تردید» یا «آرزو» یا «شرط» در ذیل آن به عنوان فروعش بیاید. اکثر دستورنامه‌نویسان معاصر معنای اصلی وجه التزامی را به کاری مبتنی بر «شک» و «تردید» یا «آرزو» یا «خواهش» تعبیر کرده و بعضاً معنای «لزوم» را در آخر افزوده‌اند (خیامپور، ۱۳۸۹: ۸۵؛ فرشیدورد، ۱۳۹۲: ۳۸۳؛ انوری و احمدی گیوی، ۱۳۷۳: ۶۱؛ وحیدیان کامیار، ۱۳۹۱: ۵۴؛ شریعت، ۱۳۷۲: ۱۶۱؛ خانلری، ۱۳۵۵: ۴۰؛ مشکور، ۱۳۴۹: ۹۵) و حتی همین برداشت نادرست به فرهنگ‌های فارسی نیز راه یافته‌است (معین، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۸۵). این لغزش در تعریف، تا بدان جا رسیده که برخی در تبیین آن گفته‌اند: «دو فعل متوالی را که دومی ناتج از اولی یا موکول به آن یا مسبب از آن یا مشروط به آن است فعل التزامی گویند؛ زیرا معنایش ملتزم به وجود سابق است؛ مثال: «أردتُ أن أجلس»، «أريدُ أن يجلس» (لواسانی، ۱۳۸۰: ۱۷۲).

به عقیده نگارنده در تعریف التزام باید گفت: انجام هر کاری که مبتنی بر نوعی الزام، تکلیف یا تعهد و پابندی است؛ مانند: «باید پیغام را برسانم»، «لازم است آن را بخرم»، «حتماً درس را بخوانید». و از همین قبیل است کاربرد معنای «التزام» در علم بدیع که «شاعر خود را به آوردن دو یا سه حرف «روی» ملزم بدانند». «التزام» با این معنا در زبان عربی عمدتاً با تعبیری چون «یجب»، «ینبغی» و امثال آن که بر سر مضارع منصوب یا بر سر مصدر می‌آید، محقق می‌گردد؛ مانند: «یجبُ أن أذهب»، «ینبغی أن یکرمَ جارَه».

۸. مضارع مقصود در زبان فارسی و عربی

۸-۱. تعریف مضارع مقصود

عبارت است از قصد و نیت و اراده انجام کاری که در زمان حال بیان می‌شود. شیوه ساخت آن این گونه است که شکل مضارع از فعل کمکی «خواستن» (با پیشوند «می» یا «با») را با مضارع التزامی می‌آوریم؛ مانند: «می‌خواهم بگویم»؛ «بخواهیم درس بخوانیم...».

نکته ۱: گاهی امری که در آستانه پدید آمدن است، یا وقوع آن پیش‌بینی می‌شود با مضارع مقصود بیان می‌شود بی آنکه اراده فاعل در آن دخالت داشته باشد؛ مانند: «درخت می‌خواهد شکوفه کند»؛ «دیوار می‌خواهد سقوط کند»؛ «هوا می‌خواهد باران ببارد».

نکته ۲: گاهی مضارع مقصود در قالب جملات شرطی می‌آید؛ مانند قول نظامی:

چو می‌خواهی که یابی روی درمان مکن درد از طیب خویش پنهان

نکته ۳: گاهی «می» از ابتدای مضارع مقصود حذف می‌شود؛ مانند قول سعدی:

چو خواهی که در قدر والا رسی ز شیب تواضع به بالا رسی

نکته ۴: گاهی در مضارع مقصود بین فعل کمکی و اصلی، به وسیله متمم، مفعول یا قید فاصله ایجاد می‌شود؛ مانند این ضرب‌المثل‌ها: «می‌خواهد نان در تنور سرد بپزد»؛ «آنچه می‌خواهی به دکتر بدهی، به قصاب سر کوچه ات بده»، «جوجه پاییزی می‌خواهد سر جوجه بهاره کلاه بگذارد»؛ «توی شله‌زرد می‌خواهد کوفته پیدا کند»؛ «مگر بی آتش آمده‌ای که می‌خواهی زود بروی»؛ «خدا که

بخواهد کسی را بسوزاند، خودش را می فرستد پی هیزم؛ «بد بخواهد بیاید، از درودیوار می آید»؛ «راستی هیبت‌اللهی یا می خواهی ما را بترسانی» (دهخدا، ۱۳۶۱، ج ۲: ۸۶۰).

نکته ۵: گاهی شکل ماضی از فعل کمکی «خواستن» نیز به معنای مضارع مقصود می آید؛ مانند این ضرب‌المثل: «مهمان حبیب خداست؛ اگر نخواست برود، بلاست»؛ «هر که را خواستی با خود دشمن کنی، وعده‌اش بده و وفا مکن».

نکته ۶: گاهی در مضارع مقصود، قصد و نیت از یک طرف، و صدور فعلش از یک طرف دیگری است؛ مانند: «می‌خواهم بروی»؛ و قول ناصر خسرو:

گر بخواهی کت نیازارد کسی بر سر گنج کم‌آزاری نشین

نکته ۷: گاهی در مضارع مقصود تنها به فعل کمکی اکتفا می‌شود و فعل اصلی آن به اعتبار قرینه حذف می‌گردد؛ مانند: «شبان اگر بخواهد، شیر از بز نر دوشد»؛ «نوکر حاکم است، هر چه بخواهد می‌کند».

نکته ۸: گاهی در مضارع مقصود کلمات «قصد و آهنگ» جانشین فعل کمکی «خواستن» می‌شود و در پی آن مصدر از فعل اصلی می‌آید؛ مانند قول سعدی:

چو آهنگ رفتن کند جان پاک چه بر تخت مردن چه بر روی خاک

نکته ۹: شکل منفی مضارع مقصود این‌گونه است که «نون» نفی بر سر فعل کمکی «خواستن»، و گاهی بر سر فعل اصلی درمی‌آید؛ مانند: «او نمی‌خواهد همکاری بکند»؛ «خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو» و قول ناصر خسرو:

آنچه خواهی که ندرویش مکار آنچه خواهی که نشنویش مگسوی

مضارع مقصود در زبان عربی این‌گونه است که فعل کمکی «أرادَ - یريدُ» به همراه مضارع فعل اصلی می‌آید؛ مانند: «یریدُ أن یدهبَ»؛ شاهد قرآنی: ﴿وَأُرِيدُ أَنْ مَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلُهُمْ أُتْمَةً وَ نَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵) «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم».

نکته ۱: گاهی مضارع مقصود در قالب جمله شرطیه می‌آید؛ مانند: «إذا أردت أن تطاع فسل ما يستطاع» (آمدی، ۱۴۲۹: ۲۸۵).

کاربردهای ناگفته فعل «مضارع» در دستور زبان عربی و فارسی فرهاد رجبی نوش آبادی، قاسم مختاری و...

نکته ۲: در مضارع مقصود گاهی فعل کمکی «یرید» به همراه مصدر از فعل اصلی می‌آید. مانند: ﴿وَمَنْ يَرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا﴾ (مائده: ۴۱)، «و کسانی که خدا عذابشان را بخواهد، تو هرگز نمی‌توانی چیزی از عذاب خدا را از آنان برطرف کنی»؛ و تمثال امام علی (ع) به بیت شاعر:

أرِيدُ حَيَاتَهُ وَ يَرِيدُ قَتْلِي عَذِيرِكِ مِنْ خَلِيلِكَ مِنْ مَرَادٍ

(مبرد، ۱۴۳۱: ۶۲۶)

«من بقای زندگانی او را می‌خواهم و او می‌خواهد مرا بکشد و تو از ناحیه دوستت «ابن ملجم مرادی» معذور هستی».

نکته ۳: در مضارع مقصود گاهی شکل ماضی از فعل کمکی «یرید» به همراه مصدر فعل اصلی می‌آید؛ شاهد قرآنی: ﴿وَ إِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ﴾ (نساء: ۲۰)، «و اگر بخواهید همسری دیگر به جای همسر پیشین جایگزین کنید»؛ «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ هَلَاكَ نَمْلَةٍ أَنْبَتَ لَهَا جَنَاحِينَ»؛ «رَبَّمَا أَرَادَ الْأَحْمَقُ نَفْعَكَ فَضَرَكَ» (میدانی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۹۱)؛ و قول ابوتمام:

وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ نَشْرَ فَضِيلَةٍ طُوِيَتْ أُنَاحَ لِسَانِ حَسُودٍ

(ابوتمام، ۲۰۰۹، ج ۱: ۳۹۷)

«و خداوند هرگاه بخواهد فضیلتی پنهان را نشر دهد، به زبان حسودان میدان می‌دهد».

نکته ۴: در مضارع مقصود گاهی فعل کمکی «شاء - یشاء» به جای «أراد - یرید» می‌آید؛ مانند: ﴿لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ﴾ (مدثر: ۳۷).

نکته ۵: گاهی در مضارع مقصود تنها به فعل کمکی اکتفا می‌شود و فعل اصلی آن به اعتبار قرینه حذف می‌گردد؛ مانند: ﴿فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ﴾ (کهف: ۲۹)، «پس هر که خواست ایمان بیاورد، و هر که خواست کافر شود»

۹. آینده ساده در زبان فارسی و عربی

آینده ساده عبارت است از بیان انجام کاری یا وقوع حالتی که در زمان آینده صورت خواهد گرفت. شیوه ساختش در زبان فارسی این‌گونه است که مضارع از فعل کمکی «خواستن» به همراه بُن ماضی از فعل اصلی می‌آید؛ مانند: «این پیام را فردا به او خواهیم رساند».

نکته ۱: گاهی در بنای آینده ساده، مضارع خواستن (خواهم و مشتقات آن) به همراه مصدر کامل از فعل اصلی می‌آورند؛ مانند قول حافظ:

خواهم شدن به میکده گریان و دادخواه / کز دست غم خلاص من آنجا مگر شود

(وزین پور، ۱۳۶۹: ۵۸)

نکته ۲: گاهی در آینده ساده به خاطر ضرورت شعری، جزء دوم فعل را بر جزء اول مقدم می‌دارند. مانند قول سعدی:

چو رخت از مملکت بریست خواهی / گدایی بهتر است از پادشاهی

(خیامپور، ۱۳۸۹: ۷۹)

نکته ۳: گاهی آینده ساده که به صورت منفی به کار می‌رود، با قید «هرگز» همراه می‌شود و به معنی نفی ابد است. مانند: «هرگز با دشمنان ملت من دوست نخواهم شد».

نکته ۴: آینده ساده گاهی در قالب جزای شرط می‌آید وقتی که تحقق شرط نیز در زمان آینده باشد. مانند: «اگر علی در امتحان موفق شود با پدرش، به مسافرت خواهد رفت» (وزین پور، ۱۳۶۹: ۴۷).

نکته ۵: به جای قالب آینده ساده، امروزه معمولاً از مضارع اخباری استفاده می‌شود و لذا کاربرد آینده ساده کمتر شده است؛ مانند: «ماه آینده به مسافرت می‌رویم» (یعنی خواهی رفت) (وحیدیان کاهیار، ۱۳۸۶: ۴۶).

نکته ۶: آینده ساده گاهی به جای امر مستقیم به کار می‌رود در جایی که درخواستی صمیمانه و مؤدبانه باشد و با مهربانی بخواهیم بر خواسته‌مان تأکید کنیم. مانند: تو به خوبی از وسایلت مراقبت خواهی کرد (همان: ۴۷۷).

نکته ۷: گاهی حرف «باء» زائده بر سر آینده ساده می‌آید و این در متون کهن رواج داشته است. مانند: «بخواهم نوشت». سعدی گوید: «زرافشان، چو دنیا بخواهی گذاشت» (مرزبان راد، ۱۳۳۸: ۷۲)

نکته ۸: گاهی میان هر دو جزء آینده ساده، ضرورتاً فاصله می‌افتد و گاهی جزء دوم، مقدم می‌شود. مانند قول حافظ:

خواهم اندر عقبش رفت به یاران عزیز / شخصم از بازنیاید خبرم بازآید

۹-۱. آینده ساده در زبان عربی

طریقه ساختش چنین است که «سین» و «سوف» بر سر فعل مضارع می‌آید. با این تفاوت که «سین» به معنای آینده نزدیک است و «سوف» نشانه آینده دور است. شاهد قرآنی برای آینده نزدیک: ﴿وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾ (آل عمران: ۱۴۴)؛ «و خدا به زودی شکرگزاران را پاداش خواهد داد». شاهد قرآنی برای آینده دور: ﴿فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾ (اعراف: ۱۲۳).

نکته ۱: گاهی آینده حتمی الوقوع را با فعل ماضی ساده بیان می‌کنند. شاهد قرآنی: ﴿عَلَيْتِ الرُّومُ﴾ (روم: ۲)، رومیان مغلوب شدند (یعنی مغلوب خواهند شد). قرآن کریم از شکست قریب الوقوع رومیان در مقابل ایرانیان خبر می‌دهد.

نکته ۲: جملاتی خبری و شرطی که بر آینده‌ای حتمی الوقوع دلالت دارد، گاهی ادات شرط «إذا» ظرفیه یا شرطیه بر سر فعل ماضی ساده می‌آید. مانند آیات سوره نصر که قبل از فتح مکه نازل شد. شاهد قرآنی: ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾.

نکته ۳: گاهی آینده بسیار نزدیک را بدون «سین» و «سوف» بیان می‌کنند و فعل مضارع را تنها می‌آورند. مانند: «أُرْوَرُهُ وَأَقُولُ لَهُ». (او را می‌بینم و به او می‌گویم). شاهد قرآنی: ﴿قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا﴾ (نمل: ۳۸)؛ «سلیمان گفت: ای بزرگان! کدام یک از شما تخت او را برای من می‌آورد؟»

نکته ۴: گاهی آینده بسیار نزدیک را با اسم فاعل می‌آورند؛ مثال قرآنی: ﴿فَأَمَّنْ لَهُ لُوطٌ وَ قَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (عنکبوت: ۲۶)، «پس لوط به ابراهیم ایمان آورد، و [ابراهیم] گفت: به درستی که من به سوی پروردگارم مهاجرت می‌کنم که فقط او توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است». آیه‌ای دیگر: ﴿وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ (بقره: ۳۰)، «و [یاد کن] هنگامی که پروردگارت به فرشتگان فرمود: مسلماً من جانشینی در زمین قرار خواهم داد». و مانند سخن امام علی (ع) با یکی از یارانش آن زمان که امام پیشگویی کرد که ابن ملجم او را خواهد کشت، آن صحابی گفت «عرفت ما یرید بک، أفلا تقتله؟ فقال: کیف أقتل قاتلی» «عرض کرد: تو قصد او را از کشتن می‌دانی، آیا او را نمی‌کشی؟ فرمود: چگونه بکشم کسی را که من را بعداً به قتل خواهد رساند) (مبرد، ۱۴۳۱: ۶۲۶).

نکته ۵: شکل منفی آینده ساده با مضارع اخباری منفی مشترک است؛ یعنی «لا»ی نفی بر سر مضارع درمی‌آید؛ با این تفاوت که قید زمان آینده نیز فعل را همراهی می‌کند و گاهی با «نون تأکید خفیفه و ثقیله» می‌آید و یا بعضاً از قرینه حالیه فهمیده می‌شود که بر آینده دلالت دارد. شاهد قرآنی: ﴿وَ اتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا﴾ (بقره: ۴۸)، «و از روزی پروا کنید که نه کسی از کسی عذابی را دفع می‌کند، و نه از کسی شفاعتی می‌پذیرند».

نکته ۶: گاهی آینده ساده منفی را به همراه «لن» می‌آورند که نشانه نفی ابد است. شاهد قرآنی: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ (آل عمران: ۹۲)؛ «هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، در راه خدا انفاق کنید».

۱۰. آینده استمراری در زبان فارسی و عربی

۱۰-۱. تعریف آینده استمراری

بیان انجام کاری یا وقوع حالتی است که در آینده رخ می‌دهد و همراه با استمرار خواهد بود. شیوه ساختش در زبان فارسی این‌گونه است که قید استمرار (در حال، مشغول، سرگرم و مانند آن) با مصدر فعل اصلی، همراه مضارع از فعل کمکی «خواستن» و بُن ماضی «بودن» می‌آید؛ مثل: «آنان فردا عصر، مشغول مطالعه خواهند بود».

نکته ۱: در جملات شرطی آینده، گاهی جزای شرط در قالب آینده استمراری می‌آید اگر استمرار انجام کاری در آینده مدنظر باشد. مانند: «اگر ساعت ۱۰ امشب بیایی، ما مشغول شام خوردن خواهیم بود».

نکته ۲: گاهی به جای آینده استمراری، قالب حال استمراری را جایگزین آن به کار می‌برند؛ حافظ گوید:

به صبح روز قیامت که سر ز خاک بر آرم به گهت و گوی تو خیزم، به جست و جوی تو باشم

۲-۱۰. آینده استمراری در زبان عربی

طریقه ساختش چنین است که «سین» و «سوف» را به همراه «یکون» و مشتقات آن بر سر اسم فاعل می‌آوریم که به عنوان خبر افعال ناقصه و منصوب است؛ مانند: «فِي الْعَامِ الْقَادِمِ سَوْفَ نَكُونُ مَنشَغَلِينَ بِالِدِرَاسَةِ فِي جَامِعَةِ طَهْرَانَ» (ما در سال آینده مشغول تحصیل در دانشگاه تهران خواهیم بود).

نکته ۱: گاهی آینده استمراری در قالب جملات شرطیه می‌آید. مانند: «إِذَا جِئْتَنِي فِي التَّاسِعَةِ صَبَاحًا فَسَأَكُونُ مَنشَغَلًا بِالمطالعة» (اگر ساعت ۹ صبح نزد من بیایی، من مشغول مطالعه خواهم بود).

نکته ۲: گاه آینده استمراری در زبان عربی با فعل‌های معینی چون «يُظَلُّ» (که مسبوق به «سین» و «سوف» باشد) بر استمرار دلالت دارد، همراه با فعل مضارع می‌آید (حسان، ۱۴۳۰: ۲۴۵؛ الحمصی، ۱۴۲۴: ۱۲۱)؛ مانند: «سَيُظَلُّ يَشْتَغَلُ بِالتدريسِ غداً» (فردا مشغول تدریس خواهد بود).

نکته ۳: گاهی در پی فعل کمکی «سَيُظَلُّ» و «سوف يظَلُّ»، اسم فاعل، اسم مفعول و صفت مشبه می‌آید و بر آینده استمراری دلالت می‌کند. مانند: «فسوف يظَلُّ الفُرُّ باقٍ ببقاءِ مصداقیتِه» (هنر جاودانه خواهد ماند با بقای فلسفه وجودی‌اش)؛ «سوف يظَلُّ قدر الشهداء مجهولاً إذا ما لم نتعرّف علی أحوالهم و أهدافهم» (شان و منزلت شهیدان بر ما ناشناخته خواهد ماند اگر با احوال و اهداف آنها آشنا نگردیم).

إني أنا الروح الذي سيظلُّ في الدنيا غريباً ويعيشُ مضطرباً بأحزانِ الشبيبة والمشيبِ

(شابی، ۲۰۰۰: ۲۱۳)

ترجمه: من آن روحی هستم که پیوسته در دنیا غریب خواهم ماند و روزگار به سر خواهد برد؛ درحالی‌که غصه‌های جوانی و پیری او را احاطه کرده‌است.

۱۱. آینده نقلی در زبان فارسی و عربی

۱۱-۱. تعریف آینده نقلی

بیان انجام کار یا وقوع حالتی است که در یک زمان معینی در آینده تکمیل می‌گردد یا پایان می‌یابد. طریقه ساختش در زبان فارسی این‌گونه است که صفت مفعولی از فعل اصلی، به همراه مضارع از فعل کمکی «خواستن» و بُن ماضی از فعل کمکی «بودن، شدن، گشتن یا گردیدن» می‌آید؛ و مانند: «تا شما از سفر برگردید، آن مدرسه را ساخته خواهند بود».

نکته ۱: در اغلب موارد زمان آینده نقلی را با فعل ماضی نقلی بیان می‌دارند و امروزه در زبان گفتار و نوشتار رایج‌تر است؛ مثلاً: «تا ساعتی دیگر به مقصد رسیده‌ایم».

نکته ۲: گاهی مراد از آینده نقلی تحقق امری در آینده است که موکول به تحقق امر دیگری است؛ مانند: تا علی بیاید، من تکالیفم را انجام داده‌ام. و مانند ضرب‌المثل‌های معروف: «تا تو داد من رسی، من به خدا رسیده‌ام»، «تا تو بگویی «ف»، من به فرحزاد رسیده‌ام»، «تا تو مراد من دهی، کشته مرا فراق تو» (شکورزاده، ۱۳۸۰: ۳۲۵).

نکته ۳: آینده نقلی بر انجام فعل یا وقوع حالتی یا پیش‌بینی وقوع امری در آینده نزدیک دلالت دارد و گاه متصل به زمان حال است؛ به تعبیر دیگر آینده نقلی، نمی‌تواند آینده دور را شامل شود؛ همچنان که در ماضی نقلی نیز می‌گوییم که بر انجام امری یا وقوع حالتی در گذشته نزدیک به زمان حال و گاه متصل به زمان حال دلالت دارد.

۱۱-۲. آینده نقلی در زبان عربی

طریقه ساختش چنین است که «سین» را به همراه «یَکُونُ» و مشتقات آن بر سر ماضی نقلی می‌آوریم؛ مانند: «سَيَكُونُ قَدْ كَتَبَ الْأَطْرُوحَةَ قَبْلَ نَهَايَةِ هَذَا الشَّهْرِ». (او پایان‌نامه‌اش را تا قبل از آخر این ماه نوشته خواهد بود)؛ «بِجُلُولِ يَوْمِ الْأَرْبَعَاءِ سَيَكُونُ قَدْ مَضَى عَلَى زَوْجِ أَحْمَدَ ثَلَاثَ سِنَوَاتٍ» (با فرارسیدن روز چهارشنبه، از ازدواج احمد مدت سه سال گذشته است) (خولی، ۲۰۰۱: ۸۱).

نکته ۱: در آینده نقلی گاهی قید «زمان معین در آینده» در ابتدای جمله می آید؛ مانند: «فی خلال ثلاث سنوای سیکون جمیع ابناءهم قد تخرجوا من الجامعة» (در طی سه سال آینده، همه فرزندان از دانشگاه دانش آموخته شده اند) (همان: ۸۱).

نکته ۲: زمان آینده نقلی در زبان عربی را همچنین می توان با فعل ماضی نقلی نیز بیان داشت. این قالب زمانی در قرآن کریم در جملات شرطی آینده، شواهد فراوان دارد. مانند: ﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ﴾ (مائده: ۵)، «و هر کس کفر ورزد بدانچه باید ایمان آورد حقا که عملش تباه شده است».

نکته ۳: گاهی آینده نقلی در زبان عربی به صورت اسم مفعول همراه با زمانی معین در آینده بیان می شود؛ مانند: «الطعام مطبوخ بعد ساعة» (غذا تا یک ساعت دیگر پخته شده است). و مانند نقل زکریای قزوینی در کتاب عجایب المخلوقات: «فقال علقمة: إني مقتول وإن لحمي مأكول، أضره بالهللول، ضرب غلام بهللول» (اب شیخو، ۱۹۵۱، ج ۵: ۲۷۸) (من کشته خواهم شد و گوشت پیکرم خورده خواهد شد، پس با این تیر سهمگین آنان را نشانه می گیرم؛ بسان جوانی برومند و رشید).

و شاهد مثال قرآنی: ﴿وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هُوَلَاءِ مَقْطُوعٌ مُصْبِحِينَ﴾ (حجر: ۶۶)، (ما وقوع این حادثه را به او وحی کردیم که مجرمان در بامدادان بنیادشان برکنده خواهد شد).

نقد و نظر

آنچه در آینده نقلی مورد توجه است، تمرکز بر زمانی مشخص در آینده است که کاری پایان می یابد. چنانچه این غرض نباشد، می توان منظور را با فعل آینده ساده نیز بیان داشت. مانند: «سَيَكْتُبُ الْأَطْرُوحَةَ حَتَّى آخِرِ هَذَا الشَّهْرِ» (او پایان نامه اش را تا آخر این ماه خواهد نوشت).

۱۲. نتیجه گیری

مهم ترین دستاورد این پژوهش در موارد زیر خلاصه می شود:

□ در پژوهش حاضر تعاریف زمان های افعال مضارع، ویرایش و یکپارچه سازی شد.

□ خطوط کلی افعال مضارع و صورت‌ها و کاربردهای هریک از آنها در قالب ۸۰ نکته محوری بیان شد.

□ سه زمان فعلی جدید مضارع مقصود، آینده استمراری، آینده نقلی به مجموعه زمان‌های حال و آینده در زبان فارسی و عربی اضافه شد.

□ برای تبیین صورت‌های مختلف زمان‌های حال و آینده به حدود ۵۰ آیه قرآن استناد گردید و برای بخش فارسی نیز ده‌ها مثال شعر و نثر ادبی از متون معیار برگزیده شد.

□ دیدگاه‌های جدید در باب تعاریف و کاربردهای فعل مضارع تحت عنوان «نقد و نظر» در ذیل هر یک از زمان‌های افعال افزوده شد.

کتابنامه

أ) کتابنامه عربی

قرآن کریم

- آمدی، عبدالواحد، (۱۴۲۹)، *غررالحکم و درر الکلم*، چاپ سوم، قم: دارالکتاب الإسلامی.
- الاب شیخو، (۱۹۵۱)، *المجانی الحدیثة*، ج ۵، بیروت: الآداب الشرقیة.
- ابوقام طائی، حبیب بن اوس، (۲۰۰۹)، *دیوان*، شرح خطیب تبریزی، قاهره: دارالمعارف.
- حسان، تمام (۱۴۳۰)، *اللغة العربية معناها ومبناها*، بیروت: عالم الکتب.
- حسین، طه (۱۹۸۶)، *المجموعة الكاملة ج ۱ «الأيام»*، بیروت: دار الکتب العلمی.
- الحمصی، محمد طاهر، (۱۴۲۴)، *من نحوالمبانی إلى نحو المعانی*، دمشق: دارالسعدین.
- خولی، محمدعلی (۲۰۰۱)، *الترجمة العامة من العربية إلى الإنجليزية*، اردن: دارالفلاح.
- شابی، ابوالقاسم (۲۰۰۰)، *دیوان الأشعار*، بیروت: دارالعودة.
- عسکری، ابوهلال (۱۴۰۸)، *جمهرة الأمثال*، الطبعة الثانية، بیروت: دارالفکر.
- لواسانی، احمد (۱۳۸۰)، *مدخل إلى اللغة الفارسیة*، چاپ هشتم، بی-جا: دارالحکمة.
- میرد، ابوالعباس (۱۴۳۱)، *الکامل في اللغة والأدب*، تحقیق یحیی مراد، قاهره: مؤسسة المختار.
- میدانی، ابوالفضل (۱۴۰۷)، *مجمع الأمثال*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- نجفی اسداللهی، احمد (۱۳۶۲)، *مائة قاعدة وقاعدة*، تهران: دارالعلوم العربیة.

ب) کتابنامه فارسی

احمدی گیوی، حسن؛ انوری، حسن (۱۳۷۳)، *دستور زبان فارسی*، چاپ دهم، تهران: فاطمی.

- احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۰)، دستور تاریخی فعل، تهران: نشر قطره.
- حسینی، محمد (۱۳۸۲)، قواعد عربی: صرف فعل، تهران: سمت.
- خیامپور، عبدالرسول (۱۳۸۹)، دستور زبان فارسی، چاپ پانزدهم، تهران: ستوده.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۱)، امثال و حکم، ج ۱، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر
- زرکوب، منصوره (۱۳۹۲)، روش نوین فن ترجمه، اصفهان: مانی.
- شریعت، محمدجواد (۱۳۷۲)، دستور زبان فارسی، تهران: اساطیر.
- شکورزاده، ابراهیم (۱۳۸۰)، دوازده هزار مثل فارسی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۹۲)، دستور مفصل امروز، چاپ چهارم، تهران: سخن.
- مرزبان راد، علی (۱۳۶۸)، دستور سو دمنند، تهران: جهاد دانشگاهی.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۴۹)، دستورنامه، چاپ ششم، تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق.
- معروف، یحیی (۱۳۸۰)، فن ترجمه از عربی به فارسی و بالعکس، تهران: سمت.
- معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ معین، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۳)، دستور زبان فارسی، چاپ پنجم، تهران: توس.
- ناظمیان، رضا (۱۳۹۱)، فن ترجمه از عربی به فارسی، چاپ دوم، تهران: سمت.
- نوبهار، مهرانگیز (۱۳۷۲)، دستور کاربردی زبان فارسی، تهران: رهنما.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۶)، دستور زبان فارسی، چاپ دهم، تهران: سمت.
- وزین پور، نادر (۱۳۶۹)، دستور زبان فارسی، تهران: معین.
- _____ (۱۳۷۱)، بر سمنند سخن، چاپ پنجم، تهران: فروغی.
- یاسمی، رشید؛ بهار، ملک الشعرا؛ فروزانفر، بدیع الزمان؛ قریب، عبدالعظیم؛ همایی، جلال الدین (۱۳۸۰)، دستور زبان پنج استاد، چاپ پنجم، تهران: فردوس.

استعمالات جديدة في أبنية الفعل المضارع في اللغتين العربية والفارسية (دراسة نقدية مقارنة)

فرهاد رجبي نوش آبادي^۱، قاسم مختاري^{۲*}، محمد جرفي^۳، سيد ابوالفضل سجادي^۴، محمود شهبازي^۵

۱. طالب الدكتوراة في اللغة العربية وآدابها بجامعة اراك
۲. أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة اراك
۳. أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة اراك
۴. أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة اراك
۵. أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة اراك

الملخص

إنّ الفعل من أهمّ مقومات بنية الجملة حيث يؤدي وظائف لغوية متعددة كالإسناد والدلالة الزمنية. يعتبر الفعل المضارع من أهمّ أقسام الفعل في اللغتين الفارسية والعربية ويستخدم في نطاق واسع وفي أبنية متنوّعة كما أنه يدلّ على الحال والمستقبل. في هذه الدراسة، قد ركّز الباحثون على المباحث الصرفية مقارنة بين بنية الأفعال المضارعة، مبيّنين المشتركات في قواعد هاتين اللغتين المتجاورتين. نعتد في هذا المقال على المنهج الوصفي - التحليلي ونقوم بتعريف أزمنة الأفعال في اللغة الفارسية وبنائها وفروعها ومواضع استعمالها مع الملاحظات اللازمة لكلّ نوع منها واستخراج الأمثلة المتنوعة كما نقوم بمقارنتها مع الأفعال العربية للاحتراز من الالتباس الذي يتورط فيه بعض المترجمين في فهم صور الأفعال من حيث الزمن.

نحاول في هذا البحث أن نوحّد الأزمنة مقارنة بين أبنية الفعل المضارع بين اللغتين الفارسية والعربية كما نضيف ثلاثة أبنية زمنية جديدة إلى الحال والمستقبل في اللغتين، كالمضارع المقصود والمستقبل المستمر، والمستقبل النقلي. ويبدو أن هذه الأبنية الزمنية غير متوقّرة في المصادر النحوية واللغوية ولم تجعل في إطار محدّد ولم تبين لها أحكام دقيقة، على الرغم من أنّ استخدام هذه الأزمنة الثلاثة أمر شائع جداً بين ناطقي هاتين اللغتين.

الكلمات الرئيسية: النحو المقارن، الزمان، المضارع المقصود، المستقبل المستمر، المستقبل النقلي.